

در جلسه ارتباط با ارواح

(۲)

مجدداً تأکید میکنیم :

کسانی که بتوانند اطلاعات بیشتری از طریق حس و مشاهده در مورد این مسئله در اختیار ما بگذارند یعنی بطریق اطمینان بخشی امکان ارتباط را عملاً بمانشان بدهند برای تکمیل این بحث از آن استقبال می‌کنیم و نتیجه را هر چه بود در اختیار خوانندگان محترم مجله قرار خواهیم داد (لطفاً مستقیماً با ما تماس بگیرید).

* * *

در شماره گذشته باینجا رسیدیم :

« مدیوم » (واسطه ارتباط با روح) در حضور ما ، باظهار خودش ، با روح مرحوم آیه الله بروجردی ارتباط گرفت ، و پیامی از ایشان برای ما نقل کرد . ما برای اینکه اطمینان پیدا کنیم که راستی ارتباطی برقرار شده ، و ارتباط هم با کسی جز روح آیه الله بروجردی نبوده است نشانه ای خواستیم ولی متأسفانه بعلت نامعلومی ، ارتباط قطع شد ! .

مجدداً کوششی شد ارتباط برقرار گردد ولی ارواح دیگری در وسط آمدند ، و ارتباط با روح مورد نظر برقرار نشد . ما اصرار داشتیم که حتماً باید با روح مرحوم آیه الله بروجردی ارتباط برقرار گردد و نشانه گرفته شود ، ولی مثل اینکه روح هم اصرار داشت که ارتباط نگیرد ، و این اصرار روح ، آنهم در موقعی که مطلب به « بز نگاه » رسیده بود آدم را به « شك » می انداخت . اکنون بدنبال جریان توجه کنید :

* * *

در این هنگام دیدیم میز مجدداً بحرکت درآمد (بهمان صورت که در مقاله گذشته شرح داده شد) و حرکات هم شدید بود . معلوم شد با روح سرگردانی ارتباط برقرار شده است ، و بهمان ترتیب سابق از روح

سؤال شد و بزودی جواب داد: م ی س و ز م (میسوزم)!

پرسیده شد: تو کی هستی؟ جواب داد: ج ی ن ک (جینک!) اهل کجا؟! جواب داد: اه ل ت ب ت (اهل تبت) در اینجا جز حاضرخواستند که طلب آمرزشی برای او کنند و برای نجات او دعا نمایند.

این قسمت هم گذشت، امامن همچنان اصرار داشتم باروح مرحوم آیه الله بروجردی رابطه برقرار شود و نشانه بگیرند، و بعداً تصریح کردم که این نشانه می تواند به یکی از سه صورت باشد:

- ۱- ایشان یکی از مسائل خصوصی که ما و ایشان از آن مطلع بوده ایم یاد آوری فرمایند.
- ۲- ما سؤال کلی از خدمت ایشان می کنیم ایشان پاسخ آنرا به عربی بگویند، زیرا تسلط ایشان بر ادبیات عرب مخصوصاً آشکار بود، بعلاوه، «مدیوم» (همان واسطه ارتباط) معتقد بود روح به هر زبانی می تواند جواب دهد، بنا بر این ما حق داشتیم پاسخی بزبان عربی از روح مرحوم آیه الله بروجردی بخواهیم.
- ۳- من مطلب معینی را در ذهن میگیرم و ایشان ذهن مرا بخوانند زیرا آنهایی گفتند ارواح می توانند ذهن افراد را بخوانند.

و منظور از همه اینها این بود که بدون تحقیق مطلبی را نپذیریم، نه عقل اجازه میداد چشم و گوش بسته تسلیم شویم، و نه خدا راضی بود.

در این هنگام صحنه دیگری پیش آمد و چون من قول داده ام همه چیز را برای شما بنویسم (چه خوب باشد چه بد) جریان را عیناً در اینجا می آورم:

میز تکان سختی خورد پیدا بود روح دیگری رابطه برقرار ساخته، اما روح چه کسی بود معلوم نبود، بزودی معلوم شد این روح ناشناس پیام مفصلی دارد که میخواهد بطریق القا ادا کند نه بطریق حرکت میز (طریقه القادر شماره گذشته شرح دادیم).

بلافاصله «مدیوم» ورقه «کاغذ» و «خود کاری» طلب کرد، سپس به نقطه نامعلومی چشم دوخت و گفت: «خواهش میکنم بفرمائید... بفرمائید» سپس شروع کرد به نوشتن - گویا کسی باو دیگته میکرد و می نوشت، و دستخط عیناً پیش من موجود است، روح ناشناس باین وسیله پیام تند و خشنی به شرح زیر برای من فرستاد:

«چگونه می اندیشی درباره ما ناصر شیرازی؟! در حالی که خود ملبس به لباس روحانیت هستی! آیا انکار می کنی وجود روح را؟ و یا ارتباط با روح را؟! - اشتباه نکنید که این وسیله تنها «ارتباط» و تماس است نه «حضور»!، خود دانائی باینکه احضار روح احتیاج به ریاضت دارد، و عده معدودی مشرک (مرتاضان هند) قادر بانجام آنند، پس ب فکر آزمایش و امتحان مباش نمی گویم که در بست بپذیرد، آنچه را که نمی دانید تحقیق کنید و مطالعه نمایند کتب بزرگان و

پیشوایان دینتان را که صحبت کرده اند از وجود ارواح و اینکه ارتباط میگیرند با شما زندگان، بدینوسیله... و در همین جا ارتباط قطع شد!

من ابتدا از گفتار ضدونقیض این روح، و وصله‌ای که ناحق بما چسبانید در شگفت شدم. از یک طرف میگوید در بست نپذیرید و آنچه را نمی‌دانید تحقیق کنید، و از طرف دیگر میگوید: «بفکر آزمایش و امتحان مباش!» در حیرت بودم کدامیک را قبول کنم.

و انگهی این چه وصله ناجوری بود که بما چسبانید و ما را فحش کاری کرد، من که نه منکر روح بودم، و نه منکر امکان ارتباط با ارواح، من در صدد تحقیق درباره باط میزگرد و دراز و ارتباطی که از این طریق مدعی هستند، بودم، به علاوه کتب بزرگان دین را هم خیلی بیش از این آقایان مطالعه کرده بودم.

از شما چه پنهان که از این توپ و تشر روح ناشناس نیز از میدان در نرفتم بلکه بعدها به آقایان مدیوم‌ها که در آن شهر بودند می‌گفتم از این بی‌عده ارتباطهایی را که می‌خواهید برای ما با ارواح بگیرید دوشتر دیگری هم دارد:

اولا برای ما پارو و حهای عصبانی ارتباط نگیرید!

ثانیا با آنها شرط کنید ما را فحش کاری نکنند!

باز جلسه ادامه پیدا کرد و گفتم با همه اینها، من نشانه‌ام را می‌خواهم، یکی از سه نشانه بالا، نه خدا اجازه میدهد طلب باین مهمی را بدون نشانه بپذیرم نه عقل.

مدیوم که شاید تا آنوقت در جلسات خود «آدم سمجی» مثل من ندیده بود مجدداً کوشش کرد و با روح مرحوم آیه الله بر و جردی ارتباط بگیرد، بار دیگر میز بحرکت آمد، و معلوم شد تماس تازه‌ای برقرار شده است.

آیا پیامی دارید؟ (خطاب به روح)...

میز حرکت کرد، یعنی آری،

پیام بروش حروف الفبا گرفته شد پیام این بود:

چ گ گ و ن ه ا س ت خ و د ر ا ب ن م ا ی ا ن ی ا م (چگونه است خود را

بنمایانیم ۱۴)

باشنیدن این پیام حالت عجیبی به حضار دست داد، همه در فکر بودند که روح چگونه می‌خواهد خود را بمانمایاند و نشان دهد، به اچقدر خوب است که چنین شود و ما خود روح را - ولو در قالب مثالی - به بینیم، چه منظره جالبی!؟

من هم خود را آماده برای مشاهده روح می‌کردم، ولی بخود تلقین می نمودم مبادا تحت تأثیر وضع مجلس واقع شوم و بر اثر قدرت تخیل، یک چیز خیالی در نظر مجسم شود، بهر حال بایی صبری انتظار داشتم روح ناشناس مزبور را زیارت کنم.

اما ناگهان مشاهده کردیم حال «مدیوم» بهم خورد ، به يك گوشهٔ اطاق نزدیک به سقف خیره شد ، مثل اینکه نور خیره کننده‌ای را دیده باشد چشم خود را جمع کرد و سپس روی هم گذارد و حالش منقلب تر گردید ، و سر خود را روی میز گذارد و مدتی مکث کرد ، و سپس سر خود را بلند کرد و مانند اینکه از خواب عمیقی بیدار شده باشد ، و یا از يك حادثه هولناك طولانی نجات پیدا کرده باشد ، خسته و کسل و بسیار ناراحت بنظر می رسید ، بلافاصله از پشت میز باین آمد و روی زمین نشست ، و هنگامی که حال او عادی تر بنظر می رسید سؤال کردیم چه دیدی که ما هیچکدام ندیدیم ؟

- گفت سید محترمی را دیدم با چشمی سرخ شده .

- گفتم : به قیافهٔ آیهٔ الله برو جردی نبود ؟

- گفت : نه

- مثلاً فکر میکنید که بود ؟

- نمی دانم .

و باین ترتیب عملاً جلسه پایان یافت و ما نتوانستیم نشانه خود را از روح مرحوم آیه الله برو جردی بگیریم و ساعت نزدیک ۱۲ شب بود !
و از آن وقت تا کنون هنوز در فکرم اگر بنا شود يك روح خود را برای اطمینان خاطر نشان دهد تا او را تماشا کنند ، آیا باید خودش را به ما نشان بدهد که در صدد تحقیق هستیم ؛ یا به مدیوم که همه چیز را دیده و قبول دارد ؟

* * *

این بود همه آنچه را در آن جلسه دیدم دیگر قضاوت با خود شماست .

نظر خود را درباره اصل مسئله « امکان ارتباط با ارواح » در شماره های بعد توضیح خواهیم داد .

رهبران مسیحی اردن خاطر نشان کردند :

خبر دستگیری عامل آتش سوزی مسجد اقصی صرفاً تشبیهی برای فرار از جنایتی است که مقامات اسرائیلی مرتکب شده اند .

این رهبران گفتند چنانکه از اسم عامل آتش سوزی برمی آید ، وی یهودی

است و نه مسیحی .

و بر مسلمانان و مسیحیان واجب است علیه دشمنی که اماکن مقدس را

غصب کرده متحد شوند .

« کیهان شماره مورخ ۲۶۶۲۴۸۶۸ »